



(عکس از مژده حمزه تبریزی؛ واتیکان، کلیسای سن پیترو)

● پایان دادن به جدال بی پایان مشروعه خواهانِ ناروادار و سکولارهایِ روادار به راه حل مهندسی نیاز دارد، نه فلسفی

● از دل «قاعده لطف» سکولاریسم می تواند زاده شود

و نه اثبات مشروعت و لایت فقیه

▪ پی‌دی‌اف این مقالات رایگان است.
 ▪ استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع آزاد است.
 ▪ نشانی وب:
<http://www.rizpardazandeh.com>
 ▪ ایمیل: rizpardazandeh@gmail.com
 ▪ کانال تلگرام: @rizpardazandeh

فهرست

- اینترنت آدم‌ها (۶۷): پایان دادن به جدال بی‌پایان مشروعه خواهان ناروادار و سکولارهای روادار به راه حل مهندسی نیاز دارد، نه فلسفی ۳/
- اینترنت آدم‌ها (۶۸): از دل «قاعده لطف» سکولاریسم می‌تواند زاده شود و نه اثبات مشروعیت ولایت فقیه ۵/
- علل افول علمی و تمدنی ایران زمین ۶/
- چرا خداوند سکولار است؟ ۸/
- فرقه ضاله و خطرناک ولایت فقیه و کافرنگاری و برده‌انگاری مردم ۹/
- اوقاف و آزار سازمان یافته ۱۰/
- چرا افراز متصفانه و هوشمند؟ ۱۰/
- نقش داده‌های با کیفیت پایین در شهادت امام حسین(ع) ۱۱/

(عکس از مژه حمزه تبریزی؛ رم: ایتالیا)



آغاز مدرنیته جدال بین داده‌های با کیفیت بالا و داده‌های با کیفیت پایین بود. تا پیش از نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک نظریه زمین-مرکزی بطلمیوس در اروپا مطرح بود که کلیسا نیز از آن پشتیبانی می‌کرد. کوپرنیک با ابراز رصد و فرمول‌های ریاضی به نظریه چرخش زمین به دور خورشید رسید.

یکی از اتهامات «جوردانو برونو» طرقداری از نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک بوده است که به دلیل اتهامات مشابه دیگر در دادگاه تفتیش عقاید به مجازات سوزانده شدن در آتش محکوم شد. هنگامی که داده‌های با کیفیت پایین به خداوند نسبت داده می‌شود پیروان مذاهب متعصبانه به آنها باور پیدا می‌کنند و جنایت می‌آفرینند.

با این حال، برگزاری دادگاه تفتیش عقاید امکان دفاع یا حتی توبه، همچون توبه مشهور گالیله را برای دانشمندان اروپایی فراهم می‌ساخت، که تا حدودی به شجاعت آنان می‌افزود. اما مشروعه خواهان ایرانی همواره می‌توانسته‌اند از احکام مخفیانه ارتداد و اجرای ترور محکوم‌شدگان بهره بگیرند و در دانشگاه‌ها رعب و وحشت پدید بیاورند که دانشمندان تمایلی به پژوهش‌های آکادمیک درباره کیفیت داده‌های متون مقدس پیدا نکنند، که یکی از دلایل شکست مدرنیته در ایران است. این در حالی است که بسیاری از شیعیان جهان معتقدند که غیر معصوم نمی‌تواند احکام حد و ارتداد صادر کند، که مهم‌ترین علت آن کیفیت پایین داده‌های مقدس است.

عکس بالا تندیس از «جوردانو برونو» است که حدود یکصدوسی سال پیش در مکان سوزانده شدنش در میدان کمپو-د-فیوری (Campo de Fuori) شهر رم نصب شده است. هشت تندیس به شکل مدال در چهار طرف دیوار پایه مجسمه متعلق به تصویر ۸ دانشمند و فیلسوف دیگر اروپا نصب شده است که آنها نیز توسط دادگاه‌های تفتیش عقاید به جرم بدعت در سده‌های چهاردهم تا هجدهم میلادی محکوم به مرگ در آتش یا اعدام یا حبس ابد شده بودند. توبه گالیله در دادگاه سبب شد که مدالی برای او در این بنا نصب نشود. ترجمه متن کتیبه نصب شده در این بنا به این قرار است: برای برونو – عصری که او پیش‌بینی کرد (که این بنا برافراشته خواهد شد) – در اینجا که زنده‌زنده سوزانده شد.

پایان دادن به جدال بی‌پایان مشروعه خواهان ناروادار و سکولارهای روادار به راه حل مهندسی نیاز دارد، نه فلسفی

□ علیرضا محمدی‌فر

فلسفه‌دانان برای چنین وضعیتی هیچ راه حلی نمی‌توانند ارائه بدهند، زیرا فلسفه اساساً در موضوع اجتماع اضداد یک پاسخ روشن ندارد.

از آن گذشته، ما از ابتدای مشروطیت تا به امروز درک درستی از مدرنیته و پست‌مدرنیته نیز نداشته‌ایم، چون همان‌گونه که روان‌شاد دکتر سید جواد طباطبایی گفته است ما دانشگاه ملی یا دانشگاه ایرانی که به اندیشه ایران‌شهری پردازد نداشته‌ایم. البته واضح است که دانش و دانشگاه مفاهیمی گلوبال هستند، و منظور این مقاله از دانشگاه ایرانی توجه به پژوهش‌ها بر بنیاد آمایش سرزمین است. به عنوان مثال، سوق یافتن کشور به سمت سرمایه‌گذاری‌های فوق‌العاده سنگین غیرقابل بازگشت در انرژی هسته‌ای، عدم توجه به جغرافیای ایران، چه به لحاظ روابط بین‌الملل و چه به لحاظ آمایش سرزمین بوده است. این در حالی است که اگر ایران در انرژی خورشیدی سرمایه‌گذاری کرده بود امروز می‌توانست به ده‌ها کشور منطقه برق صادر کند و درآمد قابل توجهی کسب کند. به لحاظ جغرافیایی در نقطه‌ای قرار داریم که برق خورشیدی می‌تواند شبیه به جاده ابریشم در دوران باستان برای مان ثروت‌آفرینی کند.

افزون بر این، ترجمه صرف متون مربوط به مدرنیته سبب شد که از همان ابتدای مشروطیت تا امروز روشنفکران‌مان به اشتباه فکر کنند که مدرنیته یعنی حاکمیت قانون. مگر جمهوری اسلامی – که در آن ولایت فقیه مطلقه بالاتر از قانون است – یا نظام‌های تمامیت‌خواهی چون نازیسم یا کمونیسم چیزی جز حاکمیت قانون را می‌خواسته‌اند؟ مگر کلیسا در سده‌های میانه با دادگاه‌های تفتیش عقاید چیزی جز حاکمیت قانون را می‌خواست؟ به بیان دیگر، شناخت ما از ابتدا از مدرنیته شناختی دقیق نبوده است. آشکار است که مدرنیته معنایی ندارد جز حاکمیت داده‌های با کیفیت بالا که برون‌داد یک دانشگاه ملی است. مدرنیته در اروپا مقابله با داده‌های با کیفیت پایینی بود که مثلاً دادگاه‌های تفتیش عقاید به آنها استناد می‌کردند. هنگامی که قانون با داده‌های با کیفیت پایین وضع شود، قوانینی مانند قانون ماهواره یا حجاب یا ولایت فقیه مطلقه از آب در می‌آیند، که در عمل به معنای بی‌قانونی هستند.

گذشته از آن، هنگامی که می‌گوییم مدرنیته یعنی دانشگاه، به معنای آن است که نگاه دپارتمانی یا نگاه دانشکده‌ای محض نمی‌تواند به مدرنیته

• از زمان مدرنیته در ایران وجدان

اجتماعی/تاریخی ما شکاف برداشت. ما دو ملت هستیم در یک سرزمین. ما یک ملت نیستیم، دو ملت هستیم که در دو زیست‌جهان گوناگون زندگی می‌کنیم، بخشی به عالم سنت عشق می‌ورزد...، بخشی دیگر می‌خواهد یک سوژه مدرن باشد.

• تمام مسائل اجتماعی ما جدال این دو ملت

است.

• انقلاب ایران و جمهوری اسلامی به پایان

رسیده است.

• ما مسلمانان و ایرانیان هنوز بحران نظری

داریم و نمی‌دانیم با مدرنیته چگونه برخورد کنیم.

□ بیژن عبدالکریمی، نشست معیار، انجمن علمی حقوق

اساسی ایران (iacl.ir)

عبدالکریمی یک فیلسوف دانشگاهی برجسته کشورمان است و از معدود استادان دانشگاه است که مسئله مهم دولتی‌بودن جامعه‌مان را درک کرده است و با صراحت آن را بیان می‌کند. اما با آن که فیلسوفان و فلسفه‌دانانی چون عبدالکریمی در توصیف صورت مسئله عالی عمل می‌کنند، چرا در ارائه یک راه حل کاربردی مشکل دارند؟ علت واضح است: این استاد دانشگاه به عنوان یک فیلسوف در صورت مسئله به اجتماع ضدین رسیده است، که در جامعه معمولاً به جنگ داخلی یا فرار و آوارگی بخشی از جامعه یا به انسداد سیاسی می‌انجامد. پیشنهاد تکراری گفت‌وگو، ۱۲۰ سال است که پاسخ نداده است. تضاد در حدی است که از گفت‌وگو کاری بر نمی‌آید. فیلسوفان و

لئوناردو داوینچی را اغلب به عنوان یک نقاش بزرگ می‌شناسیم، اما او یکی از مهندسان بزرگ سده پانزدهم و شانزدهم میلادی نیز هست که طرح‌هایش در این سده‌ها به سایر مهندسان اروپایی الهام داد که دوران مدرن را بسازند. تصویر یک ماشین پرونده بازسازی‌شده از آثار این مهندس بزرگ در سمت راست آمده است. (عکس از موزه حمزه تبریزی؛ رم؛ موزه لئوناردو داوینچی)



بینجامد. سرمایه‌گذاری‌های سنگین بی‌بازگشت در انرژی هسته‌ای محصول نگاه دیپارتمانی، مثلاً دیپارتمان فیزیک هسته‌ای بوده است، بی‌آن‌که نظرات دیپارتمان‌های مهم‌تری در این موضوع مانند دیپارتمان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل یا دیپارتمان اقتصاد انرژی در دانشگاه دخالت داده شود.

از همین روی، فیلسوفانی چون عبدالکریمی نمی‌توانند برای مسئله دولتی‌بودن جامعه صرفاً با فلسفه راه حل ارائه کنند، زیرا همان‌گونه که در غرب رخ داده است ما با یک مسئله میان‌رشته‌ای مواجه هستیم و دانشگاه با تمام دانشکده‌ها و دیپارتمان‌هایش در مجموع باید آن را حل کند.

با این همه، دانشگاه‌های مهم کشورمان اولاً تحت نظر و سلطه دولت هستند و استقلال ندارند و ثانیاً حکم ارتداد و دادگاه‌های غیرعلنی برای نقد متون مقدس همواره بالای سر آنها بوده است. از چنین دانشگاه‌هایی نمی‌توان انتظار داشت که مسائل اساسی جامعه‌مان را حل کنند.

از سوی دیگر، فعالیت‌های علمی هم‌سو با مدرنیته و پست‌مدرنیته مستقل از دانشگاه نیز با مشکلات فراوانی روبه‌روست که پرداختن به آنها به یک مقاله مفصل دیگر نیاز دارد، که در آینده‌ای نزدیک به آن خواهیم پرداخت. به عنوان مثال، ماهنامه ریزپردازنده که ژورنالیسم علمی را وظیفه خود می‌دانسته است صورت مسئله ناسازگاری دو گروه مشروعه‌خواه و دموکراسی‌خواه و یک راه حل مهندسی برای آن را از چند سال پیش مطرح کرده است. در این سلسله از مقالات بارها و بارها تکرار کرده‌ایم که کشور به هنگام مواجهه با مدرنیته در دوران مشروطیت به دو بخش ناسازگار مشروعه‌خواه ناروادار و دموکراسی‌خواه روادار تقسیم شده است و تنها راه حل مسئله بهره‌گیری از توان مهندسی کشور و افزایش منصفانه و هوشمند است. به عنوان نمونه، مجله ریزپردازنده شماره ۲۸۹ منتشرشده در اسفند ۱۴۰۰ درباره بازی افزایش منصفانه، به ویژه بخش «دو سبک زندگی ناسازگار و متفاوت» در صفحات ۱۱ تا ۱۳ آن مقاله، این صورت مسئله و این راه‌حل را با صراحت توضیح داده است.^۱ ماهنامه ریزپردازنده این تلاش‌ها را انجام داد تا دست‌کم دانشگاه و گروه‌های سیاسی و اندیشمندانی پیدا شوند و با نقادی راه‌حل‌های بهینه را بیابند.

اما نتیجه یک جست‌وجو در اینترنت درباره این نوع مقالات مجله ریزپردازنده شگفت‌آور است. تقریباً هیچ نقدی وجود ندارد، گویی کشور اصلاً دانشگاه ندارد. این در حالی است که در کشورهای دموکراتیک غربی با آن‌که یک سیستم حکمرانی کارآمد در آنها حاکم است و در مقایسه با حکومت ناکارآمد کنونی ایران نیاز بسیار کمتری به رفم دارند دانشگاهیان آن کشورها نقادی برای رفم را یک وظیفه جدی خود می‌دانند.

شگفت‌آورتر آن که مقاله‌ای را یووال نوح هراری درباره ویروس کرونا منتشر می‌کند که بسیاری از وبگاه‌ها و کانال‌های گروه‌های مرجع در ایران، بازنشر ترجمه آن را حواحلوا می‌کردند. مجله ریزپردازنده این مقاله را نقد می‌کند و گذشت زمان و حتی یک مقاله جدیدتر نوح هراری درستی نقد این مجله را اثبات می‌کند، هرچند، طبیعی بود که هیچ‌یک از آن گروه‌ها برای نقد موفق این مجله تره هم خرد نکنند. (برای نشان‌دادن وضعیت نقادی مقالات علمی در کشور به دو نمونه اکتفا کردیم، با این همه، جست‌وجوها نشان می‌دهد که نقد کتاب‌های معتبر جهانی در موضوع رفم به زبان فارسی بسیار اندک است، که همواره می‌تواند یک عامل جدی شکست در رسیدن به اهداف مدرنیته باشد. تا زمانی که آزادی اندیشه و نقادی اندیشه‌ها — به ویژه در سطح دانشگاهی — عمومی نشود و تعصبات گروهی وجود داشته باشد نمی‌توانیم به داده‌های با کیفیت بالا و به دموکراسی دست پیدا کنیم.)

به بیان دیگر، تا زمانی که نقادی اندیشه‌ها را عمومی نکنیم و تا زمانی که برای راه حل‌ها چشم‌مان به غرب باشد — که در این ۱۲۰ سال بوده است — امیدی به حل مسئله نمی‌توانیم داشته باشیم. برای ایران به راه حل ایرانی و دانشگاه ایرانی و به ویژه به ژورنالیسم علمی ایرانی نیاز داریم. فراموش نکنیم که ریاضیات و علوم و مهندسی پدر و مادر مدرنیته و پست‌مدرنیته بوده است، کافی است در کنار نام جان لاک یا ایمانوئل کانت به نام‌های بزرگ دیگر در مدرنیته در اروپا فکر کنید: گالیله، کوپرنیک، پاسکال، دکارت، نیوتن، جیمز وات، و

بدون اعداد دهدهی و عدد صفر — که آثار خوارزمی آنها را برای اروپاییان شناسانده است — و بدون نیروی بخار مدرنیته‌ای نمی‌توانست شکل بگیرد که امروز آن را می‌شناسیم. امروز نیز بدون کلان‌داده‌ها و هوش مصنوعی و بدون انرژی خورشیدی شکل‌گیری پست‌مدرنیته ناممکن است.^۲

^۲ برای دریافت پی‌دی‌اف رایگان این شماره به نشانی زیر مراجعه کنید:

www.rizpardazandeh.com/articles/riz273/rizpardazandeh273.pdf

^۳ برای اطلاعات بیشتر پی‌دی‌اف رایگان کتاب «سنت، مدرنیته، و پست‌مدرنیته» به نشانی زیر در وبگاه ریزپردازنده را بخوانید:

^۱ برای دریافت پی‌دی‌اف رایگان این شماره به نشانی زیر مراجعه کنید:

www.rizpardazandeh.com/articles/riz289/rizpardazandeh289.pdf

از دل «قاعده لطف» سکولاریسم می‌تواند زاده شود و نه اثبات مشروعیت ولایت فقیه

□ علیرضا محمدی‌فر

باشد که از کتب آسمانی و روایت‌ها از سیره پیامبران و امامان به دست می‌آید، و این قاعده عمل بر بنیاد آن داده‌ها را برای دور کردن انسان از گناه و رسیدن به بهشت آن جهانی بر مکلفین توصیه می‌کند.



قاعده لطف چیست؟

قاعده‌ای در علم کلام است که بر اساس آن خداوند دستورالعمل‌هایی را برای دور کردن انسان از گناه از طریق پیامبران ارسال می‌کند و برای تفسیر و اجرای درست این دستورالعمل‌ها امامان ۱۲ گانه را نصب کرده است. مطابق تفسیر فرقه ولایت فقیه از این قاعده، در غیاب معصوم ولایت فقیه جانشین و نماینده امام است (برای اطلاعات بیشتر به وبگاه ویکی‌شیعه یا ویکی‌فقه مراجعه کنید).

در کتاب «هم‌زیستی با فرقه ضاله و خطرناک ولایت فقیه در جهت توسعه پایدار»^۱ که اخیراً منتشر شد، بر بنیاد علم داده‌ها^۲ نشان دادیم که با اسناد نشان‌دهنده واقعیت‌های تاریخی نمی‌توان اصل امامت یا وظیفه‌ای دینی برای برپایی یک حکومت الهی، مثلاً به نام ولایت فقیه را اثبات کرد. پرسش یکی از خوانندگان این بود که چرا به قاعده لطف که اثبات اصل امامت یا اصل نبوت یا اصول دینی دیگر را به آن نسبت می‌دهند اشاره نکرده‌اید. اتفاقاً به طور ضمنی به آن قاعده اشاره شده بود، اما اشاره صریح به آن خارج از عهده این مقالات است، و سوار کردن اصطلاحاتی از علم داده‌ها که در آن کتاب آمد بر قاعده لطف و پاسخ‌دادن به چنان استدلال‌هایی بر عهده متخصصان علم کلام است. زیرا این سلسله از مقالات برای استدلال‌های خود صرفاً به علم داده‌ها و تاریخ علم داده‌ها نگاه می‌کند. به بیان دیگر، این سلسله از مقالات کیفیت داده‌ها^۳ را مورد تحلیل قرار داده است و انتساب داده‌های با کیفیت پایین به خداوند را با عدالت خداوند – که مؤمنان به آن باور دارند – در تعارض می‌داند. با این همه، در این مقاله درباره رابطه کیفیت داده‌ها با قاعده لطف توضیحاتی کوتاه آورده‌ایم، تا متکلمان اگر پاسخی داشته باشند پاسخ خود را منتشر کنند.

قاعده لطف که متکلمان امامیه معتقدند با ادله عقلی و نقلی اثبات می‌شود و ما هم فرض می‌کنیم اثبات شده است، در صورتی می‌تواند نتیجه درست به دست بدهد که از عناصری در آن بهره بگیریم که دچار مغالطه نشویم. از همین روی، باید دقیق‌تر مشخص کنیم که منظور از پیامبر یا امام در این قاعده چیست. اشاره این قاعده بی‌گمان به جسم و بدن فیزیکی پیامبر یا معصوم نیست که پس از رحلت‌شان دیگر وجود فیزیکی این جهانی ندارند، بلکه اساساً به داده‌هایی^۴ باید اشاره داشته

اطلاعات واقعی مورخان و باستان‌شناسان از حضرت عیسی (ع) بسیار اندک است. آنچه امروزه از مسیحیت داریم ترکیبی است از اندکی از داده‌های واقعی و مقادیر زیادی داده‌های با کیفیت پایین یا مبهم، هرچند، معدودی از مورخان حتی از افسانه‌بودن حضرت عیسی سخن گفته‌اند. با وجود این سطح از ابهام، مسیحیت بیشترین پیرو را در میان دین‌داران جهان دارد. هنرمندان بزرگی چون میکل‌آنژ از دل چنین ابهام‌هایی هر کدام شاهکارهای خود را خلق کرده‌اند.

به عنوان مثال، میکل‌آنژ در یک شاهکار خود مشهور به مجسمه پیه‌تا – که از پربازدیدکننده‌ترین آثار هنری جهان است – از دید خود تحمل قدرتمندانه حضرت مریم را به عنوان مادری سوگوار خلق کرده است. چهره جوان و زیبای حضرت مریم به نمایش این حس تحمل قدرتمندانه کمک کرده است. باستان‌شناسی یا تاریخ چیزی از این سوگواری به ما نداده است، اما ایمان و اطلاعات مبهمی که به مرور فراهم شده است به هر یک از مؤمنان کمک می‌کند که تصور خودشان را از این سوگ به نمایش بگذارند.

ایمان، واقعیات، و ابهامات به شیعیان نیز نیرو داده است که از یک سوگواری قدرتمندانه مشابه برای حضرت زینب شعر و نثر و نوحه‌های بدیع بیافرینند. ایمان و ابهامات برای خلق تجارب معنوی و عرفانی و دینی قدرتمند بسیار مؤثرند، اما واضح است که پیامد اتکا به اطلاعات مبهم در تصمیم‌سازی‌های حکومتی فقر و ناکارآمدی و فروپاشی جوامع است.

شرح تصویر: مجسمه پیه‌تا (Pietà: ترجم) اثر میکل‌آنژ بدن عیسی را پس از مصلوب‌شدن بر دامن حضرت مریم نشان می‌دهد.
(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ واتیکان، کلیسای سن پیترو)

^۱ www.rizpardazandeh.com/articles/riz300/riz300.pdf

^۲ data science

^۳ data quality



سوررالیسم یا فراواقع گرایی یکی از جنبش‌های سده بیستم میلادی است که واقعیت و ابهام یا تخیل را با هم تلفیق می‌کند. **سالوادور دالی**، هنرمند برجسته اسپانیایی — که در تصویر بالای یکی از نقاشی‌های سوررئال او نشان داده شده است — از پیروان مشهور این سبک از نقاشی است.
(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ فیگاروس اسپانیا؛ موزه سالوادور دالی)

علل افول علمی و تمدنی ایران زمین

دنای مسیحیت از سده ۱۶ میلادی، حدود ۵۰۰ سال پیش، بررسی علمی داده‌های متون مقدس را آغاز کرد و نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک در این سده، انقلابی بزرگ در توجه دانشمندان به داده‌های با کیفیت بالا و کنار گذاشتن داده‌های با کیفیت پایین به پا کرد.

این تغییر نگرش به کیفیت داده‌ها و غالب شدن فرهنگ داده‌ای (data culture) به مدرنیته شهرت یافته است. رسانه چاپ که در اواخر سده پانزدهم میلادی اختراع شد این تغییر نگرش و این فرهنگ داده‌ای را در بسیاری از نقاط اروپا عمومی کرد. در جهان اسلام و ایران که بسیار دیرتر و با حدود سه‌دهه تأخیر به بهره‌گیری از رسانه چاپ روی آورد پژوهش‌هایی که متون مقدس را به لحاظ علمی و عقلی و تاریخی بررسی کنند و به مدرنیته بینجامند تنها بسیار اندک بوده است، بلکه، برعکس، در چهار دهه گذشته در ایران هزینه‌های بسیار زیادی صرف اسلامی‌سازی علوم انسانی یا طب اسلامی و امور مشابه با داده‌های متون مقدس شده است. هرچند، در دهه‌های اخیر متن‌پژوهانی همچون **پروفسور محمدعلی امیرمعزی** پژوهش‌های درخشانی در نشان دادن کیفیت پایین داده‌های متون مذهبی تاریخی انجام داده‌اند.

از سوی دیگر، اگر مبدأ تاریخی **تغییر پارادایم** از کنار گذاشتن داده‌های با کیفیت پایین و رفتن به سمت داده‌های با کیفیت بالا در اروپا را **انقلاب خورشیدمرکزی کوپرنیک** در سده ۱۶ میلادی در نظر بگیریم، تأخیر حدوداً چندسده‌ای جهان اسلام در بهره‌گیری از رسانه چاپ و روش‌های **آکادمیک مدرن** برای دست‌یافتن به داده‌های با کیفیت بالا، با مطرح‌تر شدن مسائل ناشی از **مدرنیزاسیون** مانند آلودگی محیط زیست و انتقادهای روشنفکران غربی از **مدرنیته** و درک نادرست بسیاری از آنان از **پست‌مدرنیته** همزمان شد و بهانه‌ای شد برای پاره‌ای از اندیشمندان ایرانی مانند دکتر **علی شریعتی** برای دعوت



خداوند از نظر مؤمنان در بارگاه خود بی‌گمان تعداد زیادی فرشته دارد که بتوانند احکام الهی را به گونه‌ای برای مردم جهان ابلاغ کنند که کیفیت بالای داده‌های آن تغییر نکند و احکامی با قطعیت و یقین باشند و تفسیر آنها نیازی به تفسیر روحانیت نداشته باشد. عدم اجرای چنین کاری به معنی آن است که اراده و خواست الهی چنین نیست و نبوده است و این مردم هستند که خودشان باید قانون وضع کنند و خودشان دولت بر پا کنند.

شرح تصویر: فرشته وسطی یک کتاب از قدیس توماس آکویناس در دست دارد. این قدیس صادق سیزدهم بر این باور بود که مشروعیت هر حکومتی به دست مردم است و تلاش کرد که فلسفه ارسطو را با مسیحیت یا علم را با ایمان تلفیق کند.
(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ گالری نقشه‌ها در موزه‌های واتیکان)

به فرض که **قاعده لطف** به لحاظ عقلی ثابت شده باشد، بازهم مسئله **داده‌های با کیفیت پایین** و تعارض آن با **عدالت خداوند** را که شرح آن را در آن کتاب دادیم در پی دارد و اتفاقاً همچنان که در آن کتاب گفته شد لطف خداوند در همین پدید آمدن وضعیت عدم قطعیت و یقین و وضعیت ابهام **می‌تواند** باشد، زیرا سبب می‌شود که انسان عقلاً داده‌های با کیفیت پایین را کنار بگذارد و با **علم** یا **science** و با **فناوری** و با **سکولاریسم** مسائل زندگی خود را حل کند و فریب روحانیتی را که به طمع مال و قدرت و مناصب مادام‌العمر خود را نماینده خداوند یا نماینده معصومین برای برپایی حکومت معرفی می‌کند نخورد، و از داده‌های متن مقدس صرفاً برای تجارب دینی، معنوی، و عرفانی شخصی بهره بگیرد. **مدرنیته‌ای** که از سده شانزدهم میلادی در دنای مسیحیت زاده شد همین است: کنار گذاشتن داده‌های با کیفیت پایین و بهره‌گیری از داده‌های با کیفیت بالا. به بیان دیگر، از دل قاعده لطف **سکولاریسم** می‌تواند زاده شود، و نه اثبات مشروعیت ولایت فقیه.



آغاز مدرنیته جدال بین داده‌های با کیفیت بالا و داده‌های با کیفیت پایین بود. تا پیش از نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک نظریه زمین-مرکزی بطلمیوس در اروپا مطرح بود که کلیسا نیز از آن پشتیبانی می‌کرد. کوپرنیک با ابزار رصد و فرمول‌های ریاضی به نظریه چرخش زمین به دور خورشید رسید.

یکی از اتهامات «جوردانو برونو» طرفداری از نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک بوده است که به دلیل اتهامات مشابه دیگر در دادگاه تفتیش عقاید به مجازات سوزانده شدن در آتش محکوم شد. برگزاری دادگاه برای کلیسا کم‌هزینه نبود. جوردانو برونو در دادگاه خود به این موضوع اشاره کرد: وحشت شما از این رأی بسیار بیشتر از من است. برگزاری دادگاه‌ها به دانشمندان اروپایی شهامت داد که سرانجام بتوانند سدهای مقابل مدرنیته را بشکنند.

عکس بالا سه تابلو از دادگاه و مراسم سوزاندن جوردانو برونو است که بر روی سه دیواره پایه مجسمه نصب شده از این دانشمند در میدان کمپو-د-فیوری (Campo de Fuori) شهر رم نصب شده است. این مجسمه حدود یکصدوسی سال پیش در مکان سوزانده شدن جوردانو برونو برافراشته شده است. (عکس از موزه حمزه تبریزی؛ رم؛ ایتالیا)

مردم به بازگشت به سنت یا بازگشت به خویشتن، با این ادعای بی‌اساس که غرب با مدرنیته به بن‌بست رسیده است. افزون بر این، منظور دکتر علی شریعتی از بازگشت به خویشتن برپایی حکومت شیعی علوی بوده است که در آن اندیشه ایران‌شهری و لیبرالیسم جایی نداشته است؛ اندیشه شریعتی در اصل بازگشت به داده‌های با کیفیت پایین پیشامدرن است. این در حالی است که جهان مهندسی به نیکی دریافت کرده بود که برای حل مسائل مدرن به یک تغییر پارادایم در افزودن به کیفیت و حجم و پردازش داده‌ها نیاز دارد و با اختراع کامپیوتر الکترونیک در دهه ۱۹۴۰ و پایه‌گذاری هوش مصنوعی در دهه ۱۹۵۰ به این نیاز پاسخ‌های اولیه را داده بود (فیلم اودیسه فضایی ۲۰۰۱ که در سال ۱۹۶۸ اکران شد به خوبی تکامل و پیشرفت هوش مصنوعی در آینده را پیش‌بینی کرده بود؛ و شرکت اینتل ریزپردازنده ۸۰۸۵ را یک سال پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ارائه کرده بود، که نشان می‌داد جهان آماده یک تغییر پارادایم در جهت گذار از مدرنیته به پست‌مدرنیته است). امروزه کلان‌داده‌ها^۴ و هوش مصنوعی نشان داده‌اند که توانایی حل بسیاری از مسائل انسان را دارند و گذار به عصر پست‌مدرنیته را فراهم ساخته‌اند.^۵

دادگاه‌های تفتیش عقاید و شهامت دانشمندان اروپایی

از آن گذشته، یک تفاوت دیگر بین جهان اسلام و اروپای دوران رنسانس در آن بوده است که کلیسا برای مقابله با نقادی متون مقدس قانون‌مندتر از دنیای اسلام عمل می‌کرده است و دست‌کم دادگاه‌هایی برای تفتیش عقاید برگزار می‌کرد، که بر شهامت دانشمندان اروپایی در مقابله با جهل و خرافه می‌افزود. استفاده اسلام افراطی از احکام مخفیانه ارتداد و اجرای آن با تور، رعب و وحشتی را در دانشگاه حاکم می‌کرده است که نه تنها گرایشی به نقادی متون مقدس در دانشگاهیان به وجود نیاید، بلکه حتی با انواع رانت‌ها دانشگاهیانی سنت‌گرا پا بگیرند که به جای نقادی علمی از زبان تهدید بهره می‌گیرند. قتل‌های زنجیره‌ای دهه ۱۳۷۰ نمونه‌ای اخیر از چنین برخوردهایی بوده است.

ترکیب واقعیت و ابهام
نیروی تخیل را
تحریک می‌کند.
نقاشی سمت راست یک
اثر مشهور سالوادور
دالی در سبک
سوررئالیسم است.
(عکس از موزه حمزه تبریزی؛
فیکاروس اسپانیا؛ موزه
سالوادور دالی)



^۴ big data

^۵ برای اطلاعات بیشتر پی‌دی‌اف رایگان کتاب «سنت، مدرنیته، و پست‌مدرنیته» به نشانی زیر در وبگاه ریزپردازنده را ببخوانید، که این سه گذار بزرگ در تاریخ بشر را بر بنیاد تکامل ابزارهای محاسبه بررسی کرده است:

www.rizpardazandeh.com/articles/riz296/rizpardazandeh296.pdf

چرا خداوند سکولار است؟

فوق العاده زیاد از او بسازد، به گونه‌ای که امروز بیش از ۲ میلیارد نفر پیرو در جهان داشته باشد.

ترکیب واقعیت و ابهام از شخصیت‌هایی چون پیامبر اسلام، حضرت علی، یا امام حسین نیز شخصیت‌هایی پدید آورده است که می‌توانند به بروز ادراکات دینی، معنوی، و عرفانی عمیق در مؤمنان کمک کنند. از همین روی، خداوند بزرگ همچون یک نقاش دین به عنوان لطف خود ممکن است **عامدانه** خواسته باشد که با عدم ارائه یک بسته جامع و دقیق از شریعت به گونه‌ای که بعدها تحریف نشود و با ترکیب کردن **واقعیت و ابهام** - مثلاً شبیه به کاری که نقاشان سوررئال انجام می‌دهند - اولاً شخصیت‌های دینی‌ای بسازد که مؤمنان به راحتی بتوانند به کمک آنها به ادراکات دینی و معنوی و عرفانی عمیق دست پیدا کنند، و ثانیاً اجازه ندهد که روحانیون قدرت‌طلب با قطعی و یقینی نشان دادن داده‌های با کیفیت پایین متون مقدس، مردم را برای برپایی حکومت‌های دینی فریب بدهند.



«پایداری حافظه» یک اثر مشهور سالوادور دالی در سبک سوررئالیسم و به عنوان نمایی از نظریه نسبیت اینشتین است. ساعت انعطاف‌پذیر در این اثر به تغییر نوع نگاه به رویدادهای تاریخی در زمان‌های مختلف نیز می‌تواند اشاره داشته باشد.
(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ فیگاروس اسپانیا؛ موزه سالوادور دالی)

به فرض درستی قاعده لطف، این قاعده نه تنها نمی‌تواند اصولی مانند نبوت یا امامت را با معرفی جانشین توسعه بدهد، بلکه اثبات می‌کند که داده‌هایی را که مقدس شمرده می‌شوند، اما کیفیت پایینی دارند و قابل اعتماد نیستند به دلیل تعارض با **عدالت خداوند** نمی‌توان به خداوند نسبت داد و با آنها به نام خداوند حکومت برپا کرد. از همین روی، جامعه باید همچون جوامع مسیحی اروپایی در دوران مدرنیته خردمندانه چنان داده‌هایی را کنار بگذارد، و با خرد جمعی تصمیم‌سازی کند؛ و استفاده از داده‌های مقدس فقط استفاده‌هایی شخصی برای هموار کردن مسیر عرفانی فردی باشد.

نسبت دادن داده‌هایی که کیفیت پایین دارند و مبهم هستند به خداوندی که برتر از او در **علم داده‌ها** نمی‌تواند وجود داشته باشد نمی‌تواند لطف خداوند به حساب بیاید، ستم بر بندگان است. از همین روی، فقط در صورتی می‌توان **قاعده لطف** را پذیرفت که لطف خداوند را در همان **ابهامی** بدانیم که **عامدانه** برای ادیان ابراهیمی مانند مسیحیت و اسلام فراهم کرده است تا مؤمنان آن ادیان خردمندانه به چنان داده‌هایی اتکا نکنند و فریب روحانیتی را که خود را نماینده خداوند برای برپایی حکومت فقهی می‌خواند نخورند و به سوی **سکولاریسم** بروند، در غیر این صورت، خداوند بزرگ را به دلیل ابلاغ داده‌های با کیفیت پایین مسخره کرده‌ایم. دنیای مسیحیت با **مدرنیته** به چنین نتیجه‌ای رسید. بخش بزرگی از عالمان شیعی جهان نیز در طول تاریخ - متأثر از اندیشه ایران شهری - خردمندانه هر نوع برپایی حکومت دینی را به حضور معصوم مشروط می‌دانسته‌اند.



با آن که به لحاظ واقعیت‌های تاریخی، اطلاعاتی که مورخان درباره حضرت عیسی در اختیارمان می‌گذارند اندک است، هنرمندان از اطلاعات با کیفیت پایین یا مبهمی که در طول زندگی خود از این پیامبر کسب می‌کنند شاهکارهایی جاودان خلق می‌کنند. نقاشی **شام آخر** اثر لئوناردو داوینچی یکی از این شاهکارهاست.
(عکس از موزه حمزه تبریزی؛ میلان ایتالیا؛ کلیسای سانتاماریا دل گرتزیه)

از سوی دیگر، ادیانی چون مسیحیت و اسلام با وجود همین ابهام‌ها توانستند به ادیانی بزرگ و جهان‌گیر تبدیل شوند (جمعیت پیروان این دو دین در جهان در مجموع بیش از ۴ میلیارد نفر است). به عنوان مثال، از حضرت عیسی اطلاعات تاریخی واقعی اندکی وجود دارد، اما **ترکیب واقعیت و ابهام** توانسته است یک شخصیت دینی با کاریزمای

فرقه ضاله و خطرناک ولایت فقیه و کافر انگاری مردم

از آن گذشته، بازهم به فرض درستی قاعده لطف، با در نظر گرفتن این قاعده و با در نظر گرفتن نظام خردمندانه تصمیم سازی انسانها که توضیحات آن را در مقاله «آنالیتیک کلان داده ها و تعارض نظریه ولایت فقیه با بنیادهای دین» در شماره ۲۸۰ ماهنامه ریزپردازنده آورده ایم ولایت فقیه نه تنها عقلاً مشروعیت ندارد و گمراه کننده است، بلکه دروغی بزرگ است که به خداوند بزرگ و به معصوم نسبت داده می شود، که به پدید آمدن فرقه ای خطرناک انجامیده است، که همه ادیان و مکاتب دیگر را - حتی بسیاری از شیعیان جهان را که به برپایی حکومت فقهی در غیاب معصوم باور ندارند - گمراه و خودش را حق محض می داند. از آن گذشته، این فرقه - که اصل ولایت فقیه برای شان معادل یا همچون اصل امامت در اصول دین است - همه کسانی را در کل جهان که به این دروغ بزرگ باور ندارند و با آن مخالف هستند سزاوار مجازات مرگ می داند (که چهل و پنج سال است با شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» در کشور رعب و وحشت آفریده است و با قطبی کردن جامعه در انسجام ملی شکاف انداخته است).

افزون بر این، تبعیض را نهادینه کرده است. اساساً حکومت فقهی به معنی حکومت تبعیض است، چون حکومتی است که به طور تبعیض آمیز فقیهان در رأس آن قرار می گیرند. بی گمان، چنین تبعیضی بنیاد تبعیض های دیگر و انواع فسادهاست که با صفت عدالت خداوند که مؤمنان به آن باور دارند در تعارض است. خدایی که عادل باشد چنین تبعیضی را حاکم نمی کند. چنین تبعیضی در عمل دو گانه خودی ها یا پیروان ولایت فقیه (که در آن روحانیون بالاترین طبقه هستند) و ناخودی ها (که بسته به نظرشان درباره ولایت فقیه و سبک زندگی شان تا پیروان کفر گسترش می یابد) را پدید می آورد. نوع نگرش تبعیض آمیز به ناخودی ها بسته به زمان، فضا، یا اداره یا نهاد یا سازمانی که با آن سروکار دارند تفاوت می کند. نگاه حاکم بر بسیاری از پیروان ولایت فقیه که از زبان امامان جمعه معمولاً بیان می شود نگاهی کاملاً دو قطبی است و دو گانه مؤمن به ولایت فقیه و کافر به ولایت فقیه یا دو گانه مؤمن و کافر را می توان از سخنان آنان استنباط کرد. ضد ولایت فقیه اگر سزاوار مجازات مرگ باشد، حکم کافر را دارد، مگر جز این است؟ نتیجه نظری چنین نگرش و تبعیضی در ذهن پیروان ولایت فقیه که آتش به اختیاری را یکی از حقوق خود می دانند چیست؟ به چنگ آوردن اموال گروه دوم غنیمت جنگی می شود و آسیب زدن و خسارت وارد کردن بر آنان جهاد با کفار می تواند تلقی شود، که برای شان ثواب آخری دارد؛ که می تواند مورد سوء استفاده فربیکاران و رانت جویان این فرقه قرار بگیرد. به لحاظ نظری با شعاری مانند شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» به چنین نیاتی اشاره می کنند. هر چند، پیروان ولایت فقیه چون می دانند که بخش بزرگی از مردم ایران مخالف ولایت فقیه هستند به لحاظ عملی با آن که آتش به اختیاری یکی از

حقوق آنان انگاشته شده است در اجرای چنان کارهایی تقیه را نیز وارد می کنند، اما هرگاه موقعیت های مناسب پیدا کنند می توانند هر یک از افراد گروه دوم را به شدت گرفتار کنند. ویدئوهای منتشر شده از نحوه بازداشت بعضی از دختران کم حجاب توسط محتسبان مرد که به لمس آنان یا آشکار شدن بدن شان انجامیده است یک نمونه از کافر انگاری هایی است که بسیاری از ایرانیان را خشمگین و آزرده کرده است.



نقاشی «سریک
زن»، یک اثر از
سالوادور دالی.

(عکس از مؤده
حمزه تبریزی؛
فیگاروس اسپانیا؛
موزه سالوادور دالی)

این خصوصیت خطرناک قطبی کنندگی جامعه در مسلک فرقه ولایت فقیه است که اجازه نمی دهد که حقوق شهروندی در کشور شکل بگیرد، زیرا حقوق شهروندی با تبعیض ناسازگار است. آنچه شکل می گیرد دو گروه شرع وندان با امتیازات ویژه، مثلاً امتیاز کاندیداتوری در انتخابات های مختلف، آن هم با یک تبعیض آشکارتر در انتخابات خبرگان، و ناخودی هاست. آتش به اختیاری و احادیث و آیات مربوط به کفار - که به جنگ های پیامبر و بافتار مکه و مدینه آن هنگام اختصاص دارند و نه به دوران پست مدرنیته امروز - این توهم را می تواند در شرع وندان پدید بیاورد که می توانند ایمان و کفر مردم را داوری کنند و اگر کسی را مثلاً به دلیل بی حجابی مخالف ولایت فقیه تشخیص بدهند هر بلایی را که بتوانند بر سرش بیاورند و پاسخ گو هم نباشند. گذشته از آن، با آن که بخش بزرگی از بانوان کشور با حجاب شرعی مشکل دارند این پیروان ولایت فقیه هیچ حقی را برای آنان قائل نیستند و همواره خواهان مجازات های سنگین برای آنان هستند.

مردم برده نیستند

به عنوان مثال، شرع برای حجاب هیچ جریمه ای تعیین نکرده است، اگر هم تعیین کرده باشد برای همه مردم یکسان است و طبقاتی نیست. پیشنهاد تعیین جریمه های فوق العاده سنگین تر برای سلب رتبه ها بی شباهت نیست با تعیین قیمت برای آزادی برده ها. در بازار داعش کافری که به اسارت در آید حکم برده را دارد و قیمت آزادی برده ای که هنر دارد با برده ای که هنر ندارد تفاوت می کند. آیا چنین رفتارهایی کافر انگاری یا برده انگاری بخش بزرگی از مردم نیست؟ همچنان که گفته شد حجاب اجباری اگر یک ضرورت دین هم باشد اجرای احکام آن به حضور معصوم (یا به بیان این مقاله، به داده های اقناع کننده که مؤمنان معتقدند معصوم ارائه می کند) نیاز دارد.

آمد. از آن گذشته، چرا برای این روحانیون این امکان فراهم شده است که بتوانند تولید املاک یا اموال وقفی را با موجه‌شان دادن خود با یک وکالت بلاعزل از وقف‌کننده بگیرند - بی آن‌که وقف‌کننده او را بشناسد؟ اساساً چرا باید این روحانیون در موقعیتی باشند که به راحتی بتوانند از منافع تولید موقوفات بهره بگیرند؟ □

چرا افراز منصفانه و هوشمند؟

پشتیبانان ادامه اجرای قانون حجاب اجباری مدعی هستند که اگر یک همه‌پرسی در کشور انجام بگیرد اکثریت مردم به حجاب اجباری رأی خواهند داد. این در حالی است که همه‌پرسی برای چنین مواردی که ناقض حقوق شهروندی اقلیت است مشروعیتی ندارد و مشروعیت‌بخشیدن به آن می‌تواند بیشتر از همه به زیان باحجابان تمام شود، زیرا شواهد همگی نشان می‌دهند که کم‌حجابی و بی‌حجابی در ۴۰ سال گذشته رشد قابل توجهی داشته است و اگر به فرض هنوز تعداد آنها به بیش از ۵۰ درصد جامعه نرسیده باشد به زودی خواهد رسید. از سوی دیگر، ادامه مجازات‌های سنگین برای بی‌حجابی و کم‌حجابی که قطبیدگی جامعه را افزون‌تر می‌کند ممکن است افراطیون حجاب اجباری را که با این وضعیت بالاخره روزی شمار آنها به بیش از ۵۰ درصد جامعه خواهد رسید به مطالبه همه‌پرسی بی‌حجابی اجباری بکشاند. اگر به چنین همه‌پرسی‌هایی که حقوق اقلیت را نادیده می‌گیرد مشروعیت بدهیم و بیش از ۵۰ درصد مردم به بی‌حجابی اجباری رأی بدهند بانوان مؤمن راهی نخواهند داشت جز در خانه‌ماندن یا در صورت امکان مهاجرت به کشورهای دموکراتیکی که در آنها حقوق اقلیت محترم شمرده می‌شود. به بیان دیگر، حامیان رانت‌جوی حجاب اجباری با قطبیدگی‌ای که به دلیل مجازات‌های سنگین در جامعه پدید می‌آورند در بلندمدت سبب خواهند شد که بی‌حجابی اجباری در کشور به قانون تبدیل شود. بی‌گمان، برای این رانت‌جویان و مفسدان و چپاول‌گران اسلام بهانه است.

با این همه، از مدت‌ها پیش در مجله ریزپردازنده پیشنهاد افراز منصفانه (fair division) و هوشمند را دادیم که هم‌زیستی کارآمد را برای هر دو گروه فراهم می‌کند. افراز نه تنها می‌تواند انسجام جامعه را با حل اختلافات و پذیرش بیشتر کند، بلکه برپا کردن جوامع آرمانی گروه‌هایی را که محدودیت‌های ویژه ناسازگار با مدرنیته دارند ممکن کند. به عنوان نمونه، جامعه آمیش در آمریکا که مطابق مذهب خود خواهان سبک زندگی پیشامدرن هستند در مناطق خود در آمریکا زندگی آرمانی خود را دارند. افزایی که از ابزارهای شهر هوشمند بهره بگیرد جامعه را تکه‌تکه (ارباباً ارباباً) نمی‌کند، فقط برای هر بخش قوانین جداگانه‌ای را حاکم می‌کند که خواست ساکنانش است. ایران بزرگ و ثروتمند جای کافی برای همه سبک‌های زندگی در خود دارد. قطب‌سازی و کافرانگاری بخش بزرگی از مردم فقط به نفع چپاول‌گران و رانت‌جویان و بیگانگان است، که کشور را روزبه‌روز به فروپاشی نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌کنند. □

این فرقه چهل و پنج سال است که معادل میلیاردها دلار را از بودجه عمومی برای فرهنگ حجاب مورد نظر خود هزینه کرده است و امروز به جای آن که پس از این همه هزینه برخورد انتظامی با آن را حذف کند در حال برنامه‌ریزی برای مجازات‌های فوق‌العاده سنگین‌تر برای ناباوران به نوع حجاب مورد قبول این فرقه است. زندگی بسیاری از خانواده‌ها را که فرزندان دارند که نوع حجاب مورد قبول این فرقه را قبول ندارند به شدت عذاب‌آور کرده است، به گونه‌ای که تا رسیدن فرزندشان به خانه ساعت‌ها باید فشارهای روحی شدیدی را تحمل کنند، فشارهایی که پس از درگذشت زنده‌یاد مهسا امینی بسیار بسیار بیشتر شده است. فریب کاران و رانت‌جویان این فرقه قصد دارند با وضع جریمه‌های سنگین برای بی‌حجابی پول هنگفتی کسب کنند و به بهانه فرهنگ‌سازی با نوشتن کتاب‌ها و ساختن فیلم‌های سخیفی که در این ۴۵ سال عملکرد عکس داشته‌اند و نتوانسته‌اند به اقتناع فرهنگی بینجامد همچنان چنین پول‌هایی را به جیب بزنند، و حاضر نباشند پاسخ‌گوی همه آن هزینه‌هایی باشند که فقر بسیاری از خانواده‌های امروزی پیامد آن است.

ترکیب واقعیت و
ایهام نیروی تخیل را
تحریک می‌کند.
نقاشی سمت راست
یکی از آثار
سالوادور دالی در
سبک سوررئالیسم
است.
(عکس از مژده حمزه
تبریزی؛ فیگاروس اسپانیا؛
موزه سالوادور دالی)



اوقاف و کافرانگاری مردم

تبعیض‌ها سبب شده است که تعداد بسیار زیادی روحانی در سازمان اوقاف استخدام شوند و بی آن‌که شایستگی آن را داشته باشند در مناصب بالای این سازمان به کار گماشته شوند و در موقعیت‌های تعارض منافع قرار بگیرند. یک تخصص مهم روحانیون فرقه ولایت فقیه ربط دادن ۱۴۰۰ سال پیش مکه و مدینه با امروز در جغرافیای ایران است. آنها با یک مغلط آشکار دوگانه امروزی مشروعه‌خواه و دموکراسی‌خواه را تلاش می‌کنند با دوگانه مؤمن و کافر آن هنگام متناظر بگیرند، حال آن‌که اولاً همچنان که گفته شد مشروعه‌خواهی بدون حضور معصوم با عدالت خداوند در تعارض است و ثانیاً دموکراسی‌خواهی مفهومی کاملاً مدرن است و هیچ ارتباطی با کفر ندارد.

حال تصور کنید سهمی از یک ملک مشاع وقف شده باشد، با ناپاسخ‌گوبودن سازمان اوقاف و با قدرت اعمال نفوذی که در دستگاه‌های مختلف دارند می‌توانند هر بلایی را که بخواهند بر سر مالکی بیاورند که سهم خود را وقف نکرده است، به ویژه اگر چنین مالکی را به عنوان یک مخالف ولایت فقیه و در نتیجه یک کافر به حساب بیاورند، که تصاحب اموالش غنیمت جنگی و خسارت‌وارد کردن بر او مجاهده به حساب خواهد



نقش داده‌های با کیفیت پایین در شهادت امام حسین (ع)

در کتابی که عنوان آن را در ابتدای این مقاله ذکر کردیم یک مثال از داده‌های با کیفیت پایین در مورد حدیث غدیر آوردیم. برای این که در این مقاله نیز یک مثال دیگر برای روشن‌تر شدن موضوع داشته باشیم داده‌های رویداد عاشورا را به اختصار بررسی می‌کنیم.

برای این رویداد کتاب‌های **مقاتل معتبری** که همزمان با رویداد یا با تأخیری کوتاه نسبت به آن مستنداً و به طور جامع نوشته شده باشد ظاهراً تا به حال یافت نشده است و شرح این رویداد را ناچاریم با کتاب‌ها یا مقالاتی بخوانیم که حدود یک‌صد سال بعد از این رویداد نوشته شده‌اند و بر بنیاد **فرهنگ شفاهی** به دست آمده‌اند (قدیمی‌ترین مقتل را مورخی به نام **ابو مخنف** حدود ۸۰ سال پس از رویداد عاشورا نوشته است، اما جامع نیست). شبیه به آن است که امروز برای تحلیل **انقلاب مشروطیت** صرفاً بر بنیاد داده‌هایی تحلیل کنیم که نواده‌های کسانی روایت می‌کنند که یک شاهد یا یک فعال رویداد مشروطه بوده‌اند. بی‌گمان، داده‌هایی که امروز از داده‌های شفاهیِ رَویانِ امروزیِ مشروطیت به دست می‌آید کیفیت بسیار پایینی دارند.

نتیجه واضح است، تأخیر طولانی در ثبت این رویداد سبب شده است که عدم قطعیت و یقین و تناقضات مختلف در بسیاری از جزئیات آن و اهداف امام حسین (ع) دیده شود. به ویژه، داده‌های مربوط به هدف امام حسین (ع) که حامیان برپایی حکومت فقهی گاه به آن استناد می‌کنند اصلاً قطعیت ندارند. امام حسین (ع) آیا برای **برپایی حکومت شیعی** به طرف کوفه رفت یا برای این که با **یزید بیعت نکند؟** قطعیتی وجود ندارد. از سوی دیگر، هنگامی که باورهای کوفیان زمان امام نیز بررسی شود که ظاهراً در اکثر منابع غیرقابل اعتماد به دست آمده از فرهنگ شفاهی به باورهای اهل سنت و ادامه راه خلفای راشدین نزدیکی بیشتری داشته‌اند تا به باورهای شیعی، هدف **برپایی حکومت اسلامی شیعی** منتفی می‌شود.

با چنین عدم قطعیتی نمی‌توان نتیجه گرفت که تکلیف یک مؤمن برپایی حکومت فقهی است، اما می‌توان نتیجه گرفت که امام حسین با شهادتش به عنوان نوه پیامبر شهادت می‌دهد که نباید به داده‌های با کیفیت پایین اعتماد کرد که سبب می‌شود عده بسیار زیادی از مردم حاکمی چون **یزید** را به خداوند نسبت بدهند و حکومت **یزید** را حکومتی الهی بدانند و حدود نیم‌سده پس از رحلت پیامبر نوه پیامبر را مظلومانه به شهادت برسانند. محدودیت‌های **فرهنگ شفاهی** (oral culture) سبب شده بود که مردم پس از نیم‌سده نوه پیامبر را فراموش کنند و او ناچار شود در میدان نبرد همچون یک فرد گمنام از شناسنامه‌اش خبر بدهد. حال **کیفیت داده‌های** کتابی را در نظر بگیرید که دست کم یک‌صدسال بعد از این واقعه نگاشته می‌شود. بی‌گمان، کیفیت پایینی خواهد داشت. □

پس از آن که تلاش‌های برخی از مورخین برای یافتن اسنادی از زندگی دانیال نبی با شکست روبه‌رو شد این ادعا را مطرح کردند که دانیال نبی واقعیت تاریخی ندارد. اما از عدم چیزی پدید نمی‌آید. **کتاب دانیال نبی** یکی از آنهاست، هرچند، پژوهش‌ها نشان داده است که این کتاب هم کتاب دانیال نیست و چند سده بعد از دوران امپراطوری کوروش که گفته می‌شود زمان رحلت این پیامبر بوده است در دوران سلوکیان نوشته شده است.

اما برای مؤمنان، داده‌های موجود درباره این پیامبر، چه واقعی باشند چه غیرواقعی اهمیت زیادی ندارد، ایمان است که در شکوفایی تجربه‌های دینی و معنوی و عرفانی اثرگذار است. اگر این تجربیات نبودند روزانه ده‌ها و صدها زائر به آرامگاه دانیال نبی نمی‌رفتند. وظیفه و کارکرد دین پدیدآوردن همین تجربیات است. ایمان است که به زندگی مؤمنان معنا می‌دهد، نه داده‌های فقهی که از فرهنگ شفاهی غیرقابل اعتماد به دست آمده است، آن هم از فرهنگی که در آن احادیث خریدوفروش می‌شده‌اند، یا به دلیل حب بسیار زیاد و بغض بسیار زیاد احادیث جعلی گوناگونی ساخته می‌شده‌اند.

گنبد مخروطی و پله‌ای این آرامگاه، که ۸ یا ۹ سده پیش از کلیسای ساگرادا فامیلیا با مناره‌هایی مشابه اما عظیم‌تر در شهر بارسلون ساخته شده است که تصویر آن در صفحه بعدی آمده است، مربوط به عصر سلجوقیان است.

(عکس از مژده حمزه تبریزی؛ شوش، آرامگاه دانیال نبی)



آنتونی گائودی معمار
بزرگ اسپانیایی با آنچه از
ترکیب واقعیت و ابهام در
مسیحیت درک کرده است
خلاقیت خود را در طراحی
هنرمندانه کلیسای ساگرادا
فامیلیا نشان داده است. شروع
ساخت این کلیسا سال ۱۸۸۲
میلادی بوده است.

شباهت مناره‌های
مخروطی این کلیسا با گنبد
مخروطی آرامگاه دانیال نبی
در شوش شباهت جالبی
است.

(عکس از مژده حمزه
تبریزی؛ بارسلون اسپانیا)